

تشکل

نشریه مستقل کارگری



دی ۱۳۸۱

شماره

گزارش از کارخانه ما

در کارگاه اصلی کارخانه ما کامیونهای بدون اتاق بنز، ولو، ایویکو و نیسان، شاسی گزار می‌شوند. و ماشینهای آتش نشانی بعد از نصب پمپ و مخازن آب و فوم پودری و سایر تجهیزات آتش نشانی و جت بالای ماشین (آب پاش) به سفارش دهنده تحویل میگردند.

سفارش دهندگان اصلی، وزارت نفت، سپاه و بعضا شهرداری میباشند.

کارگاه ما از قسمتهای زیر تشکیل شده است: تانکر سازی، نقاشی، مونتاژ، پمپ، تعمیرات، اتاق سازی، شاسی سازی، خدمات و تراشکاری. آشپزخانه شرکت به پیمانکار محول گردیده است که خود دارای ۳ نفر آشپز است. نگهداری نیز بعهده پیمانکار و دارای حدود ۷ نفر نگهبان روز و شب میباشند.

بقیه در صفحه ۵

تشکل دو ساله شد

دو سال از عمر تشکل گذشت. آذر ۷۹ بود که شماره آزمایشی تشکل را منتشر کردیم. آن زمان در حول و هراس سختی به سر می بردیم: چه مدت نشریه ادامه خواهد یافت؟ آیا خواهیم توانست از عهده اهداف تعیین شده نشریه برآییم؟ امواج پرتلاطم جنبش کارگری ایران، ما را با خود نخواهد برد و نشریه را دچار دنباله روی از حوادث و به تبع آن دچار حرکت خود به خودی نخواهد کرد و از ریل اهداف نشریه خارج؟ یا بر عکس پافشاری به تأمین اهداف نشریه ما را از پاسخگویی به نیازهای روز جنبش غافل نخواهد کرد و از ما عناصری نخواهد ساخت که بر اصول و اهداف پای بکشیم و آن را پاس بداریم اما در مقابل ضرورتها و نیازهای واقعی جنبش کارگری شانه بالا بیاندازیم؟ به راستی آیا دچار روزمرگی نخواهیم شد، نوعی عادت به نشریه دادن، نوعی باری به هر جهت؟ محک ما برای سنجش خودمان چیست؟ چگونه در مورد این همه به داورى خواهیم نشست؟ از طرفی همه کارگر هستیم و فعال عرصه عمل و برای اکثریت ما نوشتن اولین تجربه در کار عملی، فعالان این عرصه بودیم و همراهان کوله باری از تجربه. زبان صریح و روشنی در بیان آرزوها و خواستههایمان داریم اما آیا خواهیم توانست آنچه را که می گوئیم و می اندیشیم روی کاغذ بیاوریم؟ خواهیم توانست همانطور که به شکل گویشی از مواضعمان دفاع می کنیم به شکل کتبی هم از عهده آن برآییم؟ بقیه در صفحه ۵

مصاحبه شهروند کانادا با نادر شکیبا

قسمت پایانی

س: یکی از مشکلات دیگری که امروز بخشی از کارگران سخت با آن روبه رویند، پیشنهادی است که در مجلس مطرح شد، یعنی شرکتهایی که ۵ نفر و کمتر از ۵ نفر کارگر دارند از شمول قانون کار خارج شوند. انگیزه دولت از تصویب این قانون چه بود و چه بازتابی داشت؟ کلا کانون مستقل کارگری در این رابطه چه مطالبات، خواستها و شعارهایی را مطرح کرد؟

ج: بنا به این طرح کارگاههای ۵ نفر و زیر ۵ نفر اساسا از شمول قانون کار خارج شدند. مثلا اگر دست کارگر حتی زیر پرس برود، هیچ تأمینی ندارد، مدعی هیچ غرامتی نمی تواند بشود، بازنشستگی ندارد و حتی سطح حداقل دستمزدها در این کارگاهها تابع قانون کار نیست. در واقع در این کارگاهها، کارگران کت بسته تحویل صاحبان کارگاهها داده شدند. به اعتقاد من این کارگاهها اساسا سوددهی دارند حتی اگر تحت شمول قانون کار باشند حتی اگر همین الان حقوق کارگران دو برابر شود. بعضی ها فریاد کردند که کارگاهها در حال تعطیلی اند و برای اینکه جلوی اخراجها را بگیرند، جلوی ورشکستگیها را بگیرند از این طرح و تصویب آن در مجلس دفاع کردند که البته این استدلالها بهانه ای بیش نبود.

بقیه درص ۲

لایحه ی جدید «تجمیع عوارض» در خدمت چه کسی و

به زیان کیست؟

ص ۶

آفتاب آمد دلیل آفتاب!

بحران کار و تولید در ایران؟؟

ص ۶

اخبار کارگری از گوشه و کنار روزنامه ها

ص ۷

تسلیت

با نهایت تأسف اطلاع یافتیم دبیر سندیکای سابق کفاشان آقای حسین سمنانی چشم ازجهان فروبست. زنده یاد حسین سمنانی به عنوان فعال سندیکایی، بخش عمده ای از عمر گرانبهای خویش را صرف دفاع از منافع طبقه کارگر به ویژه صنف کفاش کرد. او در طول حیات خویش از هیچ تلاشی در جهت احیای سندیکاهای مستقل کارگری و آگاهی کارگران دریغ نکرد. وی از جمله سندیکالیستهایی بود که همواره به استقلال تشکلهای کارگری از احزاب و دولت پافشاری میکرد.

فعالان سندیکایی یاد و خاطره عزیز «حسین سمنانی»، این فعال پرشور سندیکایی را فراموش نخواهند کرد.

ما ضمن تسلیت به باران و خانواده ایشان، یادش را گرامی میداریم. لازم به ذکر است مراسم بزرگداشتی به همین مناسبت با مشارکت کانون عالی کارگران بازنشسته استان تهران، انجمن صنفی خیابان تهران و جمعی دیگر از فعالان سندیکایی در محل انجمن صنفی خیابان برگزار شد. با سپاس از برگزارکنندگان این مراسم، امیدواریم در آینده شاهد تحقق آمالها و آرزوهای حسین سمنانی در جنبش کارگری باشیم.

بختیار عبداللهی از میان مارفت

درگذشت بختیار عبداللهی فعال عرصه کار و پیکار را به تمامی دوستان، آشنایان، همکاران و به ویژه خانواده محترم تسلیت می گوئیم.

یاد بختیار که همواره در جهت تحقق حقوق از دست رفته کارگران و زحمت کشان تلاش می کرد، همیشه در خاطره ها زنده خواهد ماند.

تلاشهای بختیار چه زمانی که نماینده کارگران بیکار تهران بود و چه زمانی که در جهت سازماندهی سندیکایی کف سایان و نظافتچیان تلاش می کرد الهام بخش زندگی و فعالیت همکارانش خواهد بود.

تشکل

یادش گرامی و راهش پر ره رو باد.

نشانی اینترنتی کانون مستقل کارگری

kanonkargari@yahoo.com

<http://kanonkargar.topcities.co>

مصاحبه

شهروند کانادا

با

نادر شکیبی

بقیه از صفحه ۱

چون اتفاقا بعد از این طرح بود که صدها هزار کارگر بیکار شدند، کارگاههایی که ۸ یا ۱۰ نفر کارگر داشتند، بخشی از کارگران خود را اخراج کردند که به سطح کارگاههای ۵ نفره برسند تا طرح و مصوبه مذکور شامل حال کارگاههای آنها نیز بشود و از مالیات و حق بیمه معاف شوند و از طرفی شدت کار را بالا برند و از طریق اضافه کاریهای اجباری سطح تولید قبیل را احیا کردند و به سود خود افزودند و اینچنین به حقوق اولیه و معیشت و زندگی کارگران حمله کردند و این مجموعه دستاوردهای این طرح بود. بنابراین با این طرح ما با خیل عظیم کارگران شاغلی که بیکار شدند، روبه رو شدیم، کارگرانی که همراه خانواده هایشان با بحران مرگ و زندگی روبه رو هستند. بعد، انشقاق در خود طبقه کارگر که در واقع بدترین لطمه بود. به هر حال از نظر کارگران، قانون کار خون بهای کارگران است، یعنی برسر آن مبارزاتی صورت گرفته و این دستاورد شامل تمامی کارگران است ولی امروز بخشی را به خاطر این که قدرت اقتصادی کمتری دارند از حمایت این قانون محروم کرده اند، چرا که این کارگاهها به لحاظ ویژگیهای اقتصادی که دارند نمی توانند اعمال نفوذ و قدرت کنند و از این طریق از حقوقشان دفاع کنند. اعتصابشان به جایی برنمی خورد و اساسا نمی توانند اعتصاب کنند چرا که کارگران در کارگاههای ۵ نفره و کمتر، پراکنده اند و تشکلی ندارند که بتواند آنها را حول خواستههایشان متشکل کند. اینها از نقطه ضعف کارگران این بخش از تولید استفاده کرده و چنین بلایی بر سر آنها آوردند. این طرح کارگران تولیدیها را تبدیل به بردگانی کرده که هیچ حقوقی در مقابل کارفرما ندارند. این طرح و مصوبه چیزی بیش از این برای کارگران نداشت و از همان ابتدا بهانه ای بود تا سرمایه های کوچک کارگاههای زیر ۵ نفر را از یک سری هزینه ها مثل بیمه و مالیات و پرداخت حقوق قانونی کارگران، معاف کنند و این حمله ای بود به حقوق کارگران. از نظر من این تهاجم ادامه پیدا خواهد کرد و اینها به کارگاههای بالاتر از ۵ نفر نیز دست اندازی خواهند کرد و تمام رشته های ضعیفتر تولید را زیر ضرب خواهند گرفت.

س: در مقابل آن شما «شمول قانون کار برای تمام کارگران» را مطرح کردید؟

ج: درست است. «تمام کارگران شامل قانون کار» شعاری بود که کانون طرح کرد و ردر راهبیمایی اول ماه مه امسال مورد استقبال کارگران نیز قرار گرفت.

س: در یکی از بیانیتهای کانون مستقل کارگری به مناسبت اول ماه مه مطرح شده است که قانون کار اصلاح باید گردد. مشخصا چه چیز قانون کار مورد انتقاد و اعتراض کانون مستقل کارگری است و چه چیزهایی میرمترین نکاتی است که در قانون کار باید اصلاح گردد؟

ج: قانون کار فعلی همه اش اشکال است و با استانداردهای جهانی خوانایی ندارد. ولی همین قانون هم حتی اجرا نمی شود. به عنوان نمونه همین پیش نویسی را که برای کارگاههای زیر ۵ نفر نوشتند و به تصویب رساندند، می شود بررسی کرد، که در تشکل شماره ۱۰ (آزمایشی) به آن پرداخته شده است. بند بند قانون کار را می شود با قوانین و استانداردهای جهانی کار مقایسه و نقد کرد، از اینها گذشته مسئله تشکلهای مستقل به ویژه مد نظر ماست که در این قانون صریحا باید تصویب شود. هر نوع تشکل کارگری در هر جایی باید به رسمیت شناخته شود و اساسا زیر مجموعه خانه کارگر نباشد و کارگران بتوانند به آن تشکل مستقل و واقعی که مورد خواستشان است تحقق ببخشند. خواستههای دیگری داریم به عنوان مثال: حق اعتصاب که در قانون کار منظور نشده است. و از این قبیل بسیار است.

س: آیا شما راجع به ضرورت حضور نمایندگان در هر تصمیم گیری اقتصادی که به سر نوشت تولید در جامعه برمی گردد، بحث یا گفتگویی در این زمینه داشته اید؟ اصولا هر دولتی، سیاستی را در عرصه اقتصادی و تولیدی در پیش می گیرد، این سیاستها تا آنجا که مربوط به تولید در جامعه می شود با توجه به اینکه کارگران، تولیدکنندگان جامعه هستند، حضور کارگران برای تأثیرگذاری بر سیاستهای تولید و کل سیاستهای اقتصادی ضروری است. آیا چنین نکته ای به عنوان یکی از مطالبات که قانون کار در این مورد هم باید اصلاح شود، مورد بحث کانون مستقل کارگری بوده و یا کلا یکی از مطالبات هست یا نه؟

ج: مسئله وام دادن به کارگران برای خرید کارخانجات، چنین دخالتی را مد نظر دارد. البته چرا نه؟ همانطور که اول صحبتها اشاره کردم، کارگران در هر عرصه ای از مسائل جامعه نظر دارند به ویژه در عرصه اقتصادی، ما خواهان تأثیرگذاری در سیاستهای اقتصادی هستیم، برای همین هم هست که می گوئیم دیوار چین بین فعالیتهای و مبارزات اقتصادی و سیاسی نیست. در این رابطه طبیعی است که خواهان اصلاح قانون کار هستیم. اما ما اعتقاد به اصلی، فرعی کردن خواسته ها داریم که ویژگیهای حساس و مختلفی در تعیین این اصلی و فرعی، عمل می کند.

س: به هر حال مسئله بیکاری یکی از گرفتاریهایی است که جامعه ما همچنان سخت با آن روبه روست و بسیاری از کارگران از آن رنج می برند. می دانیم که بیکاری می تواند سخت به انشقاق در درون طبقه کارگر بیانجامد. به نوعی نیروی کارگران ذخیره و بیکاران می تواند به تهدیدی بالای سر کارگران شاغل میدل شود. در واقع سرمایه داران از بیکاران برای پایین نگه داشتن سطح دستمزد کارگران استفاده می کنند. این مسئله می تواند خواست افزایش دستمزد را همیشه با تهدید رو به رو سازد، بدینگونه که کارفرمایان حاضر به افزایش

دستمزدها نشوند و از بیکارانی که حاضرند با دستمزدهای کمتری کار کنند، استفاده کنند. اصولا پاسخ شما برای مقابله با بیکاری در جامعه به طور کلی چیست و به این مسئله که بیکاری می تواند انشقاقی در درون طبقه کارگر ایجاد کند، چگونه باید پاسخ داد؟

ج: یکی از شعارهای ما برای کارگران بیکار بود که خواهان کار برای هر کارگر آماده به کار بودیم و از طرفی خواهان تأمین معیشت کارگران بیکار و کارگران اخراج شده بودیم. بیمه بیکاری و از این قبیل مد نظر هست. در واقع با بیمه بیکاری دولت موظف به تأمین کارگران بیکار می شود، مسئله اخراجها هم کمی مهار می شود. به هر حال دولت احساس می کند که در قبال این اخراجها باید پاسخگو باشد، این خود یک استپ می تواند ایجاد کند.

س: در مورد مقابله با بیکاری فکر می کنید چه سیاستی باید در پیش گرفته شود؟

ج: موارد بیکارسازی یا اخراج مختلف است. مثلا اگر در اثر تکامل ابزار، نیروی کار بیشتر از نیاز است، خوب می شود ساعت کار را کم کرد، واقعا به همین سادگی. اگر مثل مورد ایران واردات بی رویه در جهت ایجاد ثروتهای افسانه ای، وضع تولید را تخریب کرده و صدها هزار انسان را از زندگی حداقل محروم، خوب می توان جلوی این سلاخی را گرفت. بهانه این که اضافه کارگر داریم و غیره بی معنی به نظر می رسد.

س: به سوال مقابله با بیکاری برمی گردیم. سوال دیگری در رابطه با مسئله تضمین معیشت بیکاران که اشاره کردید دارم. چه میزانی مورد نظرتان است؟ یعنی بیکاران باید چند درصد حقوق را دریافت کنند؟ چون اگر شما بخواهید خواست مشخصی را مطرح کنید باید روشن کنید که مجموعا چه درصدی معتدل است. آیا یک بیکار باید مثلا از ۷۵ درصد حقوق کسی که کار می کند، برخوردار شود یا کمتر یا بیشتر؟

ج: ببینید همین الان حقوقی که برای کارگر شاغل قانونند، زیر خط سیاه فقر است. یعنی حتی خود آن حقوق هم یک زندگی را تأمین نمی کند تا ما بگوییم مثلا ۷۵ درصد این حقوق سقف بیمه بیکاری باشد. البته جوامعی که حقوق کارگر بر مبنای درصد تورم محاسبه و پرداخت می شود، آنجا می توان گفت که به هر حال تورم اینقدر است، حقوق کارگر شاغل اینقدر است و رشد تورم آنقدر نیست که سطح زندگی کارگران را به زیر خط فقر بکشد. در چنین شرایطی می توان در صدی از حقوق کارگران شاغل را مبنای حقوق بیمه بیکاری قرار داد. اما در جامعه ای که اساسا خود حقوقی که کارگران شاغل می دهند زیر خط فقر است، وضع متفاوت است و می باید پایه محاسبه بیمه بیکاری، خط فقر باشد. در این رابطه از بین خود کارگران نمایندگانی می توانند انتخاب شوند تا با طرف مقابل در این زمینه به بحث بنشینند، نمایندگانی متشکل از کارگران شاغل و بیکار.

س: اشاره ام فقط از این زاویه بود که طبیعی است که در جامعه ای که حقوق کارگران شاغل آن هم زیر خط فقر است، تعلق حقوق ۷۰ یا ۸۰ درصدی به بیکاران وضع آنها را به مراتب بدتر

کند. در واقع، گویی این آنها هستند که تعیین می کنند چه مسائلی به کارگران مربوط است یا نیست، نه نیازها و واقعیتهای موجود. نگاه دیگر این است که اساسا موجودیت و هویت مستقل طبقه کارگر را نادیده می گیرد و طبقه کارگر را در واقع زنده جنبشهای دیگر می کند. کانون با این دو دیدگاه مرزبندی دارد. کانون معتقد به حضور مستقل در پاسخگویی به نیازهای واقعی برخاسته از زندگی واقعی است. اما امروز تهاجم به طبقه کارگر در تمامی عرصه ها آنقدر قوی است، آنقدر زندگی کارگران در تمامی عرصه ها مورد تاخت و تاز قرار گرفته که

س: یعنی می خواهید بگویید طبقه کارگر در این دوره چند ساله یکی از غیر سیاسی ترین گروههای اجتماعی بوده است؟

ج: نه. غیرسیاسی نمی خواهم بگویم. چون حقیقتش شخصا به این اعتقاد ندارم و همانطور که در صحبتها هم بود، هر حرکتی بی ارتباط با مسائل سیاسی نیست، ولی بحث من مشخصا در مورد جنبشی که شما از آن صحبت کردید، است. می خواهم غیبت طبقه کارگر را در آن عرصه بررسی کنم. اینجا ما باید اجازه بدهیم، کمک کنیم، حتی به نظر من به نوعی در واقع جنبش دانشجویی و غیره و غیره باید پشت خواستهای کارگران بیایند. چرا نه؟ اساسا تاریخی چنین بوده که وقتی این طبقه توانسته کمر راست کند، آنجایی که توانسته به مثابه یک طبقه وارد میدان شود، توانسته حرف آخر را بزند. می دانید که طبقه کارگر در جامعه دارای قدرت اقتصادی قوی است به خاطر همین هم حضورش در مبارزات اجتماعی تعیین کننده است. واقعا سوال من از جنبش دموکراتیک و اصلاح طلب این است، اگر واقعا به دنبال اصلاحات هستند، باید بیایند پشت جنبش کارگری، در جهت تأمین خواستهایشان حرکت کنند تا بعد ببینیم به اتفاق چه باید کرد، کی چه کار می تواند بکند، چه گروهها و چه کسانی تا به آخر پی گیرند و چه کسانی می توانند با قدرت اقتصادی که دارند در جهت کسب یک سری آزادیها حرکت کنند. برای مثال اگر همین آقایان اصلاح طلب پشت خواستهای کارگران می آمدند به راحتی به خواستهای خودشان هم می رسیدند. یعنی فرض کنید اگر یک تشکل قوی کارگری می بود، خواستهای اصلاح طلبان را با سه شماره می گرفت. بنابراین آن عدم حضوری را که شما از آن صحبت کردید، من در چند علت می دانم، یکی اینکه خوارها آوار از مشکلات و بی حقوقی ها بر سر کارگران فرو ریخته و امروز کارگران تلاش می کنند از زیر این آوار سنگین بیرون بیایند و این خود مسئله اصلی امروز کارگران است، از طرفی کارگران برای حضور مستقل در این عرصه تشکل ندارند، این به لحاظ حضور مستقل و بعد، بی اعتمادی که کارگران به کسانی که خود را اصلاح طلب می نامند، دارند. کارگران می پرسند اینها چگونه آزادی خواهانی هستند که مسئله سرکوب اولیه ترین خواستها یعنی گرفتن حقوق عقب افتاده، به ایشان مربوط نیست و چرا این اصلاح طلبان سرکوب تظاهرات کارگران را که برای گرفتن حقوق عقب افتاده صورت می گیرد، محکوم نمی کنند؟ چرا از اعتراضات کارگران حمایت نمی کنند؟ چرا خواست تشکل مستقل که سالهاست از طرف کارگران مطرح می شود، مورد حمایت اینها قرار نمی گیرد و دهها سوال دیگر در این زمینه.

این چرخه باید داشته باشد. چگونه باید زندگی کند و تکلیفش با این اوضاع و احوال چیست. تکلیفش با اوضاعی که بهش تحمیل شده چیست. این از شناخت دقیق شرایط و آنچه که قرار است برایش رقم بخورد حاصل می شود. در نتیجه من احساسم این است که در این چرخه تولید باید یک نگاه عقلایی به هم زندگی و معیشت و اساسا خود کارگران بکنیم، یک نگاهی انسانی در این چرخه. نگاهم از این زاویه است.

س: نوعی هماهنگی کردن توسعه با توزیع عادلانه تر درآمد ملی در بین گروههای فقیرتر و تهیدست اجتماع و بین کسانی که با حساسیت تولید در جامعه را دنبال می کنند.

ج: به هر حال واقعیت این است که الان سیاستمداران و کارشناسان اقتصادی در سطح جهان، در جهت عقلایی کردن تولید و غیره بحث می کنند و برنامه می ریزند و متأسفانه این جبهه کار است که ضعیف است. به هر حال در این شرایط طبقه کارگر چه باید بکند. در تصویر کوتاهی که از وضعیت کارگران ایران دارم، در هیچ زمینه ای وضعیتی عادی و حداقل وجود ندارد. در هر زمینه ای واژه همه طرف به حقوق کارگران حمله کرده اند و هست و نیست کارگران را می چایند. برایش تعیین سر نوشت می کنند، اینجا می گویند چقدر حقوق باید ببری و در جای دیگر می گویند همان حقوقی را که خودمان برایت تعیین کرده ایم، پرداخت نمی کنیم، بیست ماه هم عقب می اندازیم، برو هر کاری می خواهی بکنی بکن. تظاهرات کنی سرکوب می کنیم، حرف بزنی زیانت را قطع می کنیم و..... در یک چنین شرایطی به اعتقاد من در این روند، ما جبهه کار مسئله امان است، در این جبهه باید متمرکز باشیم. آن سوی قضیه سیاستمدار خودش، اقتصاد دان خودش و برنامه ریز خودش را دارد.

س: در مورد مسئله تحولات چند ساله ای که در ایران اتفاق افتاده در واقع بسیاری از گروههای اجتماعی فعال شده اند. نویسندگان، روزنامه نگاران، دانشجویان، زنان و غیره. اما با حضور مستقل و فعال طبقه کارگر نه در شکل اعتراضات و اعتراضات پرانگنده ای که شاهدش بودیم بلکه با یک مطالبه معین و مستقل در جنبش اصلاحات رو به رو نبوده ایم. کلا فکر می کنید دلیل این امر چیست؟ آیا اصولا طبقه کارگر صرفا با مطالبات اقتصادی خود درگیر است و اینها را امر خود نمی داند؟ کلا چه دلیلی می بینید که طبقه کارگر در جنبش دموکراتیک همگانی در چند ساله اخیر که به هر صورت میلیونها شهروند ایرانی به حرکت درآمدند، حضور نداشته است. منظور من حضور فردی کارگران نیست که به عنوان شهروند حتما در این جنبش همگانی حضور داشته اند، بلکه اشاره ام این است که جنبش کارگری به عنوان یک نیروی اجتماعی در جنبش اصلاحات و جنبش دموکراتیک همگانی حضور نداشته اند.

ج: در این مورد که سوال کردید عده ای معتقدند که این مسائل به طبقه کارگر مربوط نیست، این دیدگاه اساسا فکر می کند که هیچ چیز به طبقه کارگر مربوط نیست، از نظر این دیدگاه طبقه کارگر فقط یک راه دارد و یک مسیر خشک را باید بپییمد آنهم مسیری که این دیدگاه تعیین می

از کارگران شاغل خواهد کرد، با این همه هیچ جامعه ای نمی تواند به بیکاران و کسانی که شاغلند، حقوقی یکسان بپردازد، چون این یکسان شدن عملا به معنی نفی انگیزه کار است. بدین ترتیب قبل از هر چیز این شعار واقع بینانه ای نیست. در شرایطی که بسیاری از کارفرمایان کارخانه ها را تعطیل می کنند و فکر می کنند دستمزدی که به کارگران می دهند با جموعه شرایط اقتصادی جامعه سودآوری ندارد، طبیعتا اگر این طرح پیش رو قرار بگیرد که بیکاران باید از صد درصد حقوق کار برخوردار شوند، عملا این امر از سوی کارفرمایان پذیرفتنی نخواهد بود و قدرت تحقق لازم هم نخواهد داشت. برمی گردیم به سوال نحوه مقابله با بیکاری، اشاره کردید که احتمالا جامعه هیچ راه حلی جز گذار از این روند ندارد. پرسش من این است که تجربیات اروپای شرقی نشان داد که روند ادغام می تواند با شوکهای بسیار گسترده ای روبه رو شود. افزایش بازدهی و کارایی تولید می عقلایی کردن تولید می تواند با توسعه بخش صنعتی و گسترش روابط بازرگانی و غیره توأم شود و این می تواند به یک رونق اقتصادی منجر شود که اشتغال زایی ایجاد کند. اما در عین حال در نظر داشته باشید که روند عقلایی کردن تولید، خود منجر به گسترش بیکارسازیهای معینی می شود. چون کارایی تولید به حذف رشته های غیر موثر یا کاهش تعداد کارگران واحدهای معینی در تولید منجر می شود. علاوه بر آن، سیاست ادغام می تواند به نوعی نولیرالیزم تبدیل شود که در واقع توسعه اقتصادی یگانه هدف آن باشد و ضرورتا این به بهبود وضعیت معاش کارگران منجر نمی شود. ای بسا می تواند با یک شوک اقتصادی به گسترش فقر همگانی منجر شود. در این زمینه آیا فکر نمی کنید سیاستی که توسعه و رفاه را به هم گره بزند، شاید سیاست عاقلانه تری برای جنبش کارگری باشد؟

ج: البته کارفرمایان از خواستهای کارگران خوششان نمی آید و از سوی آنها خیلی از خواستهای پذیرفتنی نخواهد بود اما باید این خواستها را مطالبه کرد و گرفت. اما در مورد حقوق بیکاری برای کارگران بیکار شده، نظرم این نبود که حقوق باید برابر حقوق شاغلین باشد. خواستم به این واقعیت اشاره کنم که در عین حال نمی شود در صدی پیش پا افتاده به کارگران بیکار به عنوان بیمه بیکاری داد و گفت ما به تفاوت خرج و دخلتان به خودتان مربوط است، بروید و هر طوری که می توانید خود را اداره کنید. درصد ناچیزی از حقوق کارگران، کفاف اجاره خانه کارگر را هم نمی کند مابقی را یا باید گدایی کند یا راههای غم انگیز دیگری. از این جهت تأکید کردم که در تعیین حقوق بیکاری باید خط فقر را پایه محاسبه قرار داد. اما در مورد روند ادغام در بازار جهانی، من نظرم بر این نیست که ادغام به طور کلی خوب است. بحث برسر این بود که به هر حال چه بخواهیم چه نخواهیم روندی را در پیش رو داریم. به هر حال سرمایه دارد جهانی می شود و ایران هم در گوشه ای دور افتاده از این دنیا نیست و در این چرخه جهانی قرار دارد. ما در این رابطه چه باید بکنیم. عاملی باشیم برای پیشبرد ادغام جهانی یا عاملی برای رشد و توسعه در سیستم داخلی. از نظر کانون، طبقه کارگر قبل از اینکه طرحی برای چگونگی رشد و توسعه سرمایه داشته باشد، این طرح را برای خودش و زندگی خودش در درون

مسئله بعدی به خود طبقه کارگر ایران و ویژگی های خاص آن برمی گردد که خود بحث مفصلی را می طلبد.

س: من در نوشته های کانون مستقل کارگری هنوز ندیده ام که راجع به مسئله زنان کارگر به صورت ویژه ای صحبتی شده باشد. با توجه به مجموعه آنچه که زنان در جامعه ما با آن روبه رو هستند و شاهد نوعی بیداری زنانه در گروهها و قشرهای گوناگون اجتماعی هستیم، آیا فکر نمی کنید این مسئله در رابطه با جنبش کارگری هم جا دارد که مورد بحث قرار گیرد که موقعیت ویژه زنان کارگر و مطالبات ویژه آنان مد نظر قرار بگیرد؟ مثلاً یکی از مسائلی که بسیاری از زنان کارگر با آن روبه رو هستند، مسئله آزار و اذیت های جنسی زنان کارگر است. این آزار گاه توسط کارگران مرد صورت می گیرد، گاه توسط سرکارگرها یا روسای بخش، به خصوص در مورد آتانی که در شیفت های شبانه کار می کنند و دلش هم روشن است. بسیاری از زنان گاه با خواست های جنسی از جانب روسا و سرکارگرها روبه رو می شوند که اگر پاسخ ندهند، می توانند بیکار شوند. به هر حال مسئله آزار و اذیت های جنسی یکی از مشکلات ویژه زنان کارگر است که شاید وقتی از مسائل عمومی کارگران صحبت می کنیم، این امر درخفا بماند. فکر نمی کنید که جای آن داشته باشد که به مسئله زنان کارگر به طور ویژه پرداخته شود. آیا در این زمینه کانون مستقل کارگری تاکنون با خواست ها و مطالباتی که مسئله زنان کارگر است، برخورد داشته است؟ و یا چه چیزهایی را مسائل ویژه زنان کارگر می دانید که باید به آن پرداخت؟

ج: این سوال بسیار به جا و خوبی است. من امیدوارم در آینده با حضور بیشتر همکاران زن در کانون و طرح مشکلات از زبان خودشان به این مهم پرداخته شود.

س: به عنوان آخرین سوال چند سال پیش اتحادیه مستقل کارگران ایران اعلام موجودیت کرد، یک سری اطلاعیه داد، فعالیت های کرد و در محافل داخل و خارج مورد توجه قرار گرفت. ولی به تدریج دیگر صحبتی از آن نشد و امروز نمی دانم دقیقاً به چه فرجامی رسیده است. تا آن جا که من می دانم بخشی از دست اندر کارانی که در کانون مستقل کارگری هستند در پروژه اتحادیه مستقل کارگران ایران هم نقش داشته اند. آیا اتحادیه مستقل کارگران ایران به نوعی پروژه ای است که پایان یافته یا اینکه نتوانست حضوری گسترده و علنی پیدا کند؟ کلاً جمع بندی شما از اتحادیه مستقل کارگران ایران چیست؟ در ازای آن تجربه گذشته امروز فکر می کنید چه باید کرد؟

ج: در این رابطه هیئت موسس اتحادیه مستقل، اطلاعیه ای داده که البته در خارج پخش نشده است ولی در ایران که مرکز فعالیتشان بود این اطلاعیه پخش شده که حاوی توضیحاتی در این است. اما در رابطه با فعالیت سه ساله هیئت موسس، جمع بندی صورت گرفته که در اختیار همگان قرار خواهد گرفت.

س: بعد از دوم خرداد فضای نسبتاً امید بخشی در جامعه ایجاد شد که زمینه فعالیت های گسترده ای را در گروه های مختلف فراهم کرد. امروز شاهد این هستیم که این روند دچار توقف شده است،

برخی از شکست آن نام می برند و برخی از توقف و کند شدن این روند. کلاً سوال من این است که با توجه به روندی که شرایط و فضای سیاسی جامعه ما دنبال می کند، چقدر امیدوار هستید که فعالیت های کانون مستقل کارگری و فعالیت های علنی محافل کارگری در ایران میسر باشد و به گونه ای موفقیت آمیز در گسترش و بسط طبقه کارگر و به سوی تشکیل اتحادیه مستقل کارگری گام بردارد؟

ج: همه چیز به آینده مربوط می شود. پاسخ گفتن به این سوال خیلی مشکل است. حتی حدسیاتی را در این زمینه طرح کردن. همه چیز به آینده به خود کارگران مربوط است. خود کارگران تا چه حد بتوانند در این زمینه، در این پروژه دخالت بکنند، مسئله اشان باشد، به جای آن جامعه مربوط است و در آینده باید جوابش را بگیریم. ولی آنچه که مسلم است همانطور که اول صحبت هایم گفتم وضعیت و مشکلات کارگران، وضعیتی واقعی است. نیازها، نیازهایی واقعی اند که من معتقدم این نیازهای واقعی به هر حال پاسخ خواهند گرفت و بر بستر آن ما تلاشمان را پیش می بریم.

س: سنتا بسیاری از روشنفکران ایران نسبت به مسائل جنبش کارگری، دست کم ابراز علاقه کرده اند، گاه سعی کرده اند جانشین طبقه کارگر شوند که فکر می کنم امروزه بسیاری از روشنفکران از تجربه تاریخی این درس را گرفته اند که به جایگزینی خود به جای طبقه کارگر نپردازند و به اصطلاح از برج عاج رهنمود به طبقه کارگر ایران ندهند. معهداً باز این سوال مطرح است که روشنفکران چه نقشی در گسترش مبارزات کارگری و بهبود موقعیت بهتر طبقه کارگر در ایران می توانند داشته باشند. روشنفکران ایرانی که در خارج از کشور به سر می برند و یا کلاً ایرانیانی که در خارج کشور به عدالت اجتماعی و سرنوشت جنبش کارگری در ایران علاقمندند، چه می توانند در جهت راهگسائی و پیشرفت طبقه کارگر در ایران انجام دهند؟

ج: از نظر من به رسمیت شناختن موجودیت مستقل جنبش کارگری به شکل عام و محافل مستقل کارگری به شکل خاص اولین قدم است. این تأکید را از آن جهت دارم که تا زمانی که شما وجود مستقل و حی و حاضر و واقعی یک جنبش و گرایشات درون آن را نبینید و به رسمیت نشناسید، صرف نظر از اینکه این نگاه یک نگاه برابر نیست و به قول شما از برج عاج رهنمود دادن است، این واقعیت انکار ناپذیر هم وجود دارد که هیچ نقش موثری نمی توانید ایفا کنید. بعد از این مرحله، روشنفکران کمک های زیادی می توانند بیشتر در خارج از ایران زندگی می کنند و به قول شما عرق به آن جامعه دارند و علاقمند به جنبش کارگری هستند، با تسلطی که به زبان دارند، تجارب مختلف جنبش های کارگری را می توانند در اختیار طبقه کارگر ایران بگذارند. سیاست های اقتصاد جهانی را برای طبقه کارگر توضیح بدهند. در این زمینه به لحاظ تنویر کار کنند و تجاربی که از آن کل جنبش کارگری است در اختیار کارگران ایران قرار دهند. مثلاً اگر در جنبش کارگری تایوان، کره، هنگ کنگ، آلمان یا سوئد..... تجاربی است، یا عملکرد بانک جهانی در اندونزی و کشورهای مختلف دیگر،

بازتاب این دخالت ها و ادغام در بازار جهانی و غیره چه بوده؟ در واقع چه تجاربی جنبش کارگری، در عرصه های مختلف جنبش بین المللی کارگری از سر گذارنده است، اینها را از طریق ترجمه در اختیار طبقه کارگر قرار دهند. این یک سوی قضیه است سوی دیگر این است که به هر حال شاهدش بوده ایم که در خارج از کشور معمولاً در دفاع از حرکت های داخل کشور در بعضی موارد حرکت های قابل توجهی صورت گرفته است، متأسفانه جای حمایت های عملی از جنبش کارگری خالی است. حتی آنجایی هم که بعضی ها آمدند از کارگران ایران دفاع کردند باز دفاع از موضع قیام مآبی بوده. یک حرکت هماهنگ، ارگانیک، یک حرکت در خدمت طبقه کارگر ایران متأسفانه نبوده. از این گذشته روشنفکران اگر دارای امکانات هستند در هر زمینه و عرصه ای باید از موضع واگذاری به طبقه حرکت کنند و در این رابطه خواهان حق ویژه ای نباشند. در همبستگی صمیمانه با جنبش کارگری قدم بردارند، پشت خواست های طبقه کارگر بیایند. کارهای زیادی می شود کرد، حرکت های شانه به شانه و برابر، صمیمانه و بی غرض. دریایی از کار در عرصه های مختلف جنبش کارگری وجود دارد که می توان جز به جز به آن پرداخت. در این پروسه است که اعتماد متقابل شکل می گیرد و می توان از نقش و تأثیر متقابل کارگران و روشنفکران سخن گفت.

س: این ناشی از حضور ضعیف خود طبقه کارگر در ایران نیست؟ فکر نمی کنید مثلاً جنبش دانشجویی که به حرکت در آمد، تمام مردم در خارج از کشور فعال شدند، شاید نه فقط به دلیل علاقه ویژه به جنبش دانشجویی بلکه آن حضور موثر و فعال جنبش دانشجویی در داخل بود که چنین چیزی را ایجاد کرد. اگر طبقه کارگر امروز مثلاً حرکتی نظیر آنچه صنعت نفت در سال ۵۷ داشت، انجام دهد، فکر نمی کنید جامعه ایرانی خارج از کشور به غلیان در می آید؟ یعنی می خواهم بگویم آیا بخشی از این کم توجهی یا کم کاری ناشی از عدم حضور فعال کارگران در خود ایران و جنبش کارگری نیست؟

ج: توده مردم را من می فهمم، اگر در ایران طبقه کارگر صف خودش را مشخص کند، حتی صف اقتصادی خودش را منسجم کند، طبقه در مقابل طبقه بایستد و یک حرکت گسترده صورت دهد، طبیعتاً توده مردم در خارج از کشور به این مسئله پاسخ خواهند گفت و به حرکت در خواهند آمد ولی بحث بر سر روشنفکران است، بحث بر سر علاقمندان به جنبش کارگری است. از این گذشته فراموش نکنید که اعتراضات کارگران امروز روزانه شده، روزی نیست که خبر از اعتراضات کارگری نداشته باشیم. خبر از اعتراضات کارگری و سرکوب این اعتراضات.

س: آخرین سوالم راجع به طبقه کارگر و خصلت بین المللی آن است. راجع به مسئله سازمان جهانی کار و عضویت ایران در آن چه فکر می کنید؟ آیا باید سازمان جهانی کار و اتحادیه های کارگری عضو سازمان جهانی کار را فراخواند، به اعمال فشار به ایران به عنوان یکی از اعضای سازمان جهانی کار؟ این یک سیاست است برای اعمال فشار در جهت کسب حقوق یا خولست ها و مطالبات کارگران. سیاست دیگر این

است که خواستار اخراج ایران از سازمان جهانی کار شویم؟

ج: وقتی محبوب و کمالی از طرف کارگران ایران در این سازمان شرکت می کنند، که یکی دبیر کل یک سازمان دولتی است و دیگری وزیر دولت، مگر می توانند از منافع و خواست کارگران ایران در سازمان جهانی کار صحبت کنند؟ این دو حتی از امضاء کمیته میثاق ۹۷ سازمان بین المللی کار خودداری کردند. کار این کمیته رسیدگی به شکایات اتحادیه ای کشورهای عضو این میثاق است. لابد از نظر اینها شکایتی در این زمینه وجود ندارد. همینطور امضا نکردن مقابله نامه های شماره ۸۷ و ۹۸ که در مورد آزادی تشکل و مذاکرات دسته جمعی کارگران است. وقتی نمایندگان از این دست در سازمان جهانی کار وجود دارند، این سوال در ذهن هر کارگری تشکل می گیرد که به راستی با این اعضا، سازمان جهانی کار چه کار قرار است بکند؟

آقای نادر شکیبی از بابت این گفتگو از شما تشکر می کند.
من هم از شما سپاسگزارم.

گزارش از کارخانه ما

بقیه از صفحه ۱

مدیران دوبراندند که با سرمایه خانوادگی کارخانه را احداث نموده اند و جدیداً نیز مدیری استخدام کرده اند. حدود ۸ نفر در قسمتهای مختلف اداری و حسابداری و منشیگری و مرکز تلفن مشغول به کار میباشند. دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران است.

کلیه کارهای ساختمانی و تعمیرات نیز به عهده یک شرکت پیمان کاری است که کار نگهداری از فضای سبز را نیز به عهده دارد. پرسنل ساختمانی بجز مهندس مسنول، حدود ۶ نفر و پرسنل فضای سبز حدود ۵ نفرند.

واحد دیگر، کار ساخت قالبهای فایبرگلاس را انجام میدهد که پیمانکاری است و کارگران آن متغیر و کم و زیاد میشوند.

پرسنل ثابت و دائمی حدود ۲۵ نفر و بقیه پرسنل کارگاه اصلی موقتند. به استثناء پرسنل فضای سبز و ساختمان، بقیه در سالن غذاخوری صبحانه (شامل بجای ویک تکه نان لواش با قند) و نهار (برنج و غذای گرم) میخورند.

سرویس ایاب و ذهاب متعلق به ۲۵ نفر پرسنل دائمی است ولی به استثناء ساختمان و فضای سبز بقیه در صورت نبود شکایت میتوانند از آن استفاده کنند. (منظور شکایت کارگران دائمی است.)

کارگران موقتی عمدتاً از طریق سفارش مسنولین یا بانددبازی و رشوه گیری بین مسنول امور

اشتغال اداره کار و مسنول امور اداری شرکت استخدام میشوند.

پرسنل کارگاه اصلی بیمه اند. حق بیمه اغلب به مدت طولانی واریز نمیشود و مسنول امور اداری با پرداخت رشوه دفترچه را مهر و به پرسنل تحویل می دهد.

شرکت يك پنج شنبه تعطیل و يك پنجشنبه كامل كار ميكند.

معاینات پزشکی بطور دوره ای و فقط برای پرسنل دائمی انجام میشود.

مرخصی بر اساس ماهی ۲/۵ روز است.

لباس کار و کفش کار هر شش ماه یکدست که اغلب برای ۱/۵ تا دو سال به عقب می افتد.

کارفرما مستقیماً در کارگاه، چه بر کار روی مواد و چه نحوه کار پرسنل اعمال نظر می کند و تحمل هیچگونه اعتراضی را ندارد.

عمده ارتباط کارفرما با سرپرستان قسمتها در ایامی است که کار (سفارش) زیاد است. کارفرما برای شدت و سرعت بخشیدن به کار با سرپرستان قسمتها از طریق پیمان کاران و تطمیع آنان تا میزان يك میلیون تومان به توافق می رسد. کارگران نیز انگار که شرطی شده باشند به تبع سرپرستان کار را انجام میدهند. کارفرما با تعدادی از کارگران سروسری دارد و متأسفانه آنان مستقیماً یا غیر مستقیماً جاسوسی سایرین را میکنند. کارفرما هیچگونه تشکلی را پذیرا نیست و کلیه کسانی را که در صدد ایجاد تشکلی برآمده بودند اخراج کرده است. کارگران نمیتوانند چیزی را بطور جمعی بخواهند. خواست فردی برای کارگران عادی شده است. خواستها فقط از طریق کارگران دائمی و بطور فردی و دست و پا شکسته عنوان میشوند و کارگران قرار دای را شامل نمیشود.

بین کارگران قرار دای و دائمی چند نفری هستند که چند سالی است که در شرکت کار میکنند و با آنها بیبا بینی برخورد میشود و قرارداد سالانه با آنها بسته میشود. کارفرما از مهارت این افراد استفاده کرده و گاهی با بعضی از طریق دادن اضافه کاری یا احیانا پاداش در بین کارگران فاصله می اندازد.

بارها اتفاق افتاده که کارفرما ماهها پولی به کارگران پرداخت نکرده و تنها پرداختی در طول چند ماه فقط ۱۰۰۰ تومان بوده در این موارد کارگران اظهار نارضایتی فردی میکنند و پیش یکدیگر فحش میدهند اما در عمل حرکت جدی و با برنامه ای در جهت دریافت به موقع حقوق صورت نمی دهند.

تشکل دو ساله شد

بقیه از صفحه ۱

از طرف دیگر دچار فرقه گرایی، منافع طلبی تنگ نظران و خود بزرگ بینی نخواهیم شد؟ چه مقدار خواهیم توانست با ویروسهایی از این قبیل مبارزه کنیم؟ چه مقدار خواهیم توانست دچار برخوردها و پلمیکهای ارزان نشویم و از این دام برهیم؟ آیا به جای برخورد نظری و روشنگر به دام مرداب متعفن نادیده گرفتن و حذف نخواهیم افتاد؟

اینها سوالاتی بودند هشدار دهنده در این اولین گامها. با تلاش و جدیت سوالات هشداردهنده را از سر گذرانیدیم، به دام ویروسهای جنش نیافتادیم و تازه، این همه اهداف نشریه نبود، ملزومات و اصولی بود که به آن معتقد بودیم. اما مشکلات، فقط پاسخگویی به این قبیل سوالات نبود.

مقالاتی از اعضا و فعالین کانون و یا علاقمندان به کانون و تشکل به دستمان می رسید که در چهار چوب سیاست تعیین شده و اهداف تشکل نمی گنجید. بعضی از این مقالات، مقالات بسیار خوبی هم بودند ولی تریبون تشکل، تریبون این مقالات نبود و ما از درج آنها در تشکل معذور بودیم.

مشکل پخش مشکل ویژه ای بود و هست. ما نمی توانیم به شکل نشریات رسمی تشکل را توزیع کنیم. باید نشریه امان را به دست متقاضی برسانیم. البته چند مورد داریم که از طریق دکه روزنامه فروشی به دست متقاضی می رسانیم اما این فقط چند مورد است. رساندن تشکل به محافل و فعالین کارگری، به کارخانجات و شهرهای مختلف و..... مجموعاً مشکلات نفس گیری هستند که پخش بر ما تحمیل کرده است.

در کنار تمامی اینها مسئله مالی، مسئله مهمی است. آجایی که یک فعال کارگری بین پاسخگویی به نیاز خود و تداوم تشکل باید انتخاب کند.

از اولین کارهای هر شماره نشریه مشکلات سختی را از سر می گذرانیم تا نشریه به دست تک تک تان می رسد. از تاپ و تکثیر و پخش تا مشکلات مالی که در هر شماره گریبانمان را می گیرد. اگر نبود هويت يبابی و حس ضرورت حضور از یک سو و تشویقهای خالصانه و چشمان منتظر شما برای هر شماره، چه بسا تاکنون از تداوم نشریه بازمانده بودیم.

یاری شما به هر شکل، چه به شکل فرستادن گزارش و یا مقاله، چه با رساندن نشریه به دست همکاران دیگر و چه به شکل کمک مالی یاورمان بود. به خاطر چاپ نشدن بعضی مقالات و نامه ها پوزش می خواهیم. از نظرات و پیشنهادهایتان بهره خواهیم گرفت.

تشکل نشریه ممکن است تغییر کند، در حال بررسی این مسئله هستیم. تشکل در طول این دو سال با کمبودهایی از قبیل نقد گرايشات موجود در جنبش کارگری و پرداختن به آنها و..... رو به رو بوده که سعی در رفع این کمبودها و هر چه پربارتر کردن نشریه خواهیم کرد.

چشم به راه پاریتان

گردانندگان تشکل

لایحه ی جدید «تجمیع عوارض» در خدمت چه کسی و به زیان کیست؟

مجلس و دولت در خدمت «سازمان تجارت جهانی»، به بهای تعطیل کارخانجات تولیدی و بی کار سازی هزاران کارگر دیگر

مجلس شورای اسلامی در جلسه ی علنی خود به ریاست محمد رضا خاتمی در روز سه شنبه ۱۹ آذر، لایحه «تجمیع عوارض» را به تصویب نهایی رساند.

طبق مفاد این لایحه هرگونه عوارض و وجوه دیگر از کالاهای وارداتی حذف می شود و تنها ۴ درصد به جای ۱۰ درصد عوارض تا کنونی دریافت می شود، در حالی که از تولیدات مشابه داخلی، حداقل ۱۵ درصد عوارض و مالیات دریافت خواهد شد. هم چنین به شهرداری ها و شوراهای شهر و محل، اختیارات تام داده شده است که بدون هیچ سقف معینی از صاحبان صنایع و کسب و پیشه، عوارض وصول کنند. بعلاوه این عوارض به جای وصول سالیانه، هر دو ماه یک بار اخذ می شود و تأخیر در پرداخت نیز مشمول سالیانه ۳۰ درصد جریمه ی بدون بخشودگی خواهد شد. ضمن این که تمام قوانین و مقررات مربوط به اعطای تخفیف یا معافیت از پرداخت عوارض یا وجوه به شهرداری ها را نیز لغو کرده اند.

بر مبنای این مصوبه «تولید کنندگان کالاهای تولیدی و ارائه دهندگان خدمات مکلفند مالیات و عوارض موضوعه را در مبادی تولید یا ارائه ی خدمات با درج در سند فروش از خریداران کالا یا خدمات اخذ و ظرف دو ماه به حساب بانکی تعیین شده واریز کنند». به این ترتیب بار این مالیات سنگین نیز مستقیماً به دوش مصرف کنندگان می افتد. در حالی که دولت می تواند اعتبارات حذف شده ی ادارات را به دلیل کسر بودجه، مجدداً با استفاده از این منابع تأمین کند. بی جهت نیست که وزیر امور اقتصاد و دارایی بلافاصله شادمانه از این اقدام مجلس تشکر و ستایش کرد و نایب رئیس مجلس محمد رضا خاتمی که ریاست این جلسه مجلس را به عهده داشت، تصویب این لایحه را «گامی مهم در جهت افزایش و تقویت سرمایه گذاری، تولید و تسهیل امور اقتصادی در کشور» خواند. در حالی که به روشنی پیداست اجرای این مصوبه نه تنها صاحبان صنایع، بلکه مستقیماً مصرف کنندگان و عمدتاً کارگران را با بی کار سازی، تحت فشار اقتصادی مضاعف و باز هم شدیدتری قرار می دهد و سطح تولید داخلی را نیز در ابعاد وسیعی کاهش خواهد داد.

مجلس با تصویب این لایحه در حقیقت گام بلند دیگری در خدمت اجرای شرایط «سازمان تجارت جهانی» به منظور تأمین سرمایه گذاری خارجی برداشت. با تصویب این لایحه از سویی شرط «تعديل اقتصادی» با تعطیلی بسیاری از کارخانجات که در نتیجه ی آن هزاران کارگر دیگر به خیل کارگران بی کار و بدون آینده ی کشور می پیوندند و از سویی دیگر «اصلاح سیستم مالیاتی» طبق درخواست «سازمان تجارت جهانی» تأمین می شود. به علاوه دروازه های کشور به روی کالاهای وارداتی با شرایط بسیار

مساعدتر گشوده می شود که سود عمده آن به جیب سرمایه های خارجی و دلان و سرمایه تجاری داخلی وارد می شود.

بحران مزمن اقتصادی حاکم و ناتوانی در حل بنیادی آن، مجلس و دولت را واداشته است که برای نجات، از سیاست های دیکته شده ی «سازمان تجارت جهانی» استقبال کنند، بدون کم ترین توجه به عواقب آن، بدون در نظر گرفتن منافع ملی، با به حراج گذاشتن منابع ملی و نابودی تولیدات داخلی و به فقر و فلاکت کشاندن باز هم بیشتر زحمتکشان و اقشار میانی جامعه.

هم زمان با تصویب این لایحه آژیر تمام کارخانه های استان تهران در اعتراض به آن، در ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه ۱۹ آذر به صدا درآمد. پاره ای از صاحبان صنایع اعلام کرده اند که تحمل این لایحه را نداشته و واحدهای خود را تعطیل خواهند کرد. برخی از آنها گفته اند «اداره کارخانجات خود را به تصویب کنندگان این طرح واگذار خواهند کرد تا آنها این کارخانه ها را به انبار کالاهای وارداتی تبدیل کنند!» این اعتراضات در حالی است که هنوز این لایحه به اجرا در نیامده و پیامدهای آن روشن نشده است. جعفر پوراسد

آفتاب آمد دلیل آفتاب! بحران کار و تولید در ایران؟؟

۴۵۰ هزار تن شکر تولیدی کارخانه های داخلی در انبارها متراکم شده و کارخانه ها همچنان منتظر خرید این محصول از سوی دولت هستند. بهمن دانیایی دبیر انجمن صنفی کارخانه های قند و شکر گفت: با وجودی که امسال اولین سال لغو انحصار دولت از قند و شکر است و برای اولین بار در کشور رکود تولید قند و شکر شکسته شده، متأسفانه میزان واردات رسمی شکر در هفت ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵۵ درصد رشد داشته است. وی اظهار داشت: ۳۹ کارخانه قند و شکر در کشور فعالیت دارند که در سال گذشته ۸۳۷ هزار تن قند و شکر تولید کرده اند که پیش بینی می شود امسال میزان تولید آنها به بیش از ۱/۱ میلیون تن برسد. کاظم کاظمی از بنیانگذاران سندیکای قند و شکر ایران که بیش از شصت سال سابقه فعالیت در صنعت قند دارد، گفت: صنعت قند بیش از یک قرن در ایران سابقه دارد اما هیچگاه با بحران امسال که کارخانه ها تا این حد به چغندرکاران بدهکار باشند، مواجهه نبوده است. (جمهوری اسلامی ۱۸ آذر)

نیمی از جمعیت شهرستان میاندوآب به طور مستقیم و غیر مستقیم از کارخانه قند میاندوآب ارتزاق می کنند و تهدید کارخانه به تعطیلی واقعا آزاردهنده است. رئیس کارخانه میاندوآب در ارتباط با تهدید به تعطیلی این کارخانه گفت: متأسفانه عوامل بیرونی و کسانی که با کارخانه مشکل دارند در صدد ایجاد مشکل برای کارخانه هستند.

(ایسنا ۲۶ دی)

کارخانه طویبای خوی با ۹۰ کارگر تعطیل می شود. مدیر عامل شرکت شاهد خوی در مورد علت این تصمیم گفت: ف

شارهای مختلف، عوارض گوناگون، جرایم سنگین تعمیلی و ناتوانی در رقابت از دلایل این تصمیم است. وی افزود: در سه سال گذشته کارخانه بیش از ۶۰۰ میلیون تومان ضرر داده است. از آنجایی که این کارخانه بخشی از کارخانه قند خوی است، تمام زیانهای آن از محل درآمدهای کارخانه قند پرداخت می شود اما برای کارخانه ای که سهامدارانش کارگران و کشاورزانند ۶۰۰ میلیون تومان ضرر بسیار بالا و غیرقابل تحملی است. وی ادامه داد: به بهانه های امسال ۶۰ میلیون تومان جریمه به کارخانه تحمیل کرده اند که به هیچ طریقی نتوانستیم از آن خلاصی یابیم. وی تأکید کرد: بقیه کارخانجات مشابه نیز همین وضعیت را دارند. وی در مورد آینده کارگران این واحد گفت: پس از تعطیلی کارخانه حدود ۶۰ نفر با تخصصهای لازم جذب کارخانه قند می شوند و مابقی که بیشتر کارگران زنند و بالای سن ۴۰ سال و فاقد کارایی لازم، بازخرید خواهند شد. (ایسنا ۱۱ دی)

معاون حمل و نقل ترافیک شهرداری تهران گفت: ناوگان تاکسیرانی تهران با همکاری شرکتهای ژاپنی و آلمانی بازسازی خواهد شد. به گزارش سایت اینترنتی قلم سبز، محمد مهدی خورسندنی افزود: در حال گفتگو با این شرکتهای هستیم تا صورت امکان برای نوسازی ناوگان تاکسیرانی از خودروهای خارجی که از لحاظ استاندارد و قیمت به صرفه باشند، استفاده کنیم. تلاش می شود با گرفتن تأیید، مبنی بر صرف نظر از حقوق گمرکی برای واردات خودرو به منظور نوسازی ناوگان تاکسیرانی با قیمت حدود ۱۰ تا ۱۱ میلیون تومان که نزدیک به قیمت خودروهای تولید داخلی است، خودرو وارد کنیم. وی تأکیدی مورد نظر شهر تهران را ۱۰۰ هزار دستگاه ذکر کرد و گفت این رقم برای کشور به حدود ۲۵۰ هزار دستگاه خودرو می رسد. خورسندنی گفت: در مرحله نخست این طرح ۳۰ هزار دستگاه تاکسی ثبت شده تهران تعویض و در مرحله دوم ۷۰ هزار دستگاه. وی مهلت مرحله نخست تعویض تاکسیهای تاکسیرانی تهران را تا پایان سال ۸۲ ذکر کرد و افزود: اجرای این طرح طی این زمان منوط به آن است که سازمانها و نهادهای ذینفع و دارای نفوذ سد راه نشوند. (ابرار ۳ آذر)

«کارگران بی

تشکل بی حقوق

ترین کارگرانند»

یک بخاری تک شعله فاقد دودکش استفاده کنند که پنجشنبه هفته جاری در حین استراحت دچار گازگرفتگی شدند و جان خود را از دست دادند.

بیش از ۱۵۰ تن از کارگران نساجی طبرستان قائم شهر به خاطر بلاتکلیفی و برای اعتراض به عدم دریافت بیش از ۵ ماه حقوق، در محل تشکلات خانه کارگر مازندران تجمع کردند. کارگران معترض در این اجتماع اعلام کردند هر کجا لازم بود مشکلاتمان را منعکس کردیم ولی کسی پاسخگوئی درد و رنج ما نیست، اگر این بی توجهی ادامه یابد، این مشکلات سرانجام به ناپودی صدها هزار خانواده کارگران می انجامد. در این اجتماع همچنین کارگران معترض، مخالف هر گونه تعطیلی نساجی بودند و از مسئولان خواستند که بیش از این کارگران را قربانی سیاستهای نادرست اقتصادی خود نکنند. کارگران معترض، به دلیل ناتوانی مدیران و مسئولان محلی در حل مشکلات کار و کارگری، خواستار استعفاي مسئولان کارگری استان مازندران شدند.

شهرداری تهران اعلام کرد که سازمان تأمین اجتماعی از کمک به کارگران شهرداری خودداری کرده است. به گزارش ایسنا نماینده کارگران بیکار شده شهرداری اعلام کرد: با اینکه شورای شهر تهران تصویب کرده بود حق بیمه کارگران با ۲۷ سال سابقه کارگری را پرداخت و بازنشستشان کند اما سازمان تأمین اجتماعی از قبول این کار سر باز زده است. بنابراین کارگران شهرداری تهران ۲۰ روز به این سازمان مهلت می دهند تا مواضع خود را روشن کند. شایان ذکر است که اکنون حدود یک هفته از این مهلت ۲۰ روزه گذشته است. وی افزود تا پایان این مهلت اگر سازمان تأمین اجتماعی تکلیف ما را روشن نکند بناچار جلوی در این سازمان جمعهای متعددی را برگزار خواهیم کرد. وی متذکر شد

شمار کارگرانی که با تأمین اجتماعی دچار مشکل شده اند به چهار، پنج هزار نفر می رسد.

صبح روز ۴ دی بیش از صد نفر از کارگران کارخانجات درخشان یزد با اجتماع در خیابان شهید چمران که این کارخانه در آن قرار دارد، به علت عدم پرداخت حقوق شش ماه گذشته دست به اعتراض زدند. بنابه گفته کارگران، هیئت مدیره در پرداخت حقوق معوقه امروز و فردا می کند و کارگران را در تأمین مخارج روزمره زندگی دچار مشکل کرده است. کارگران اظهار می دارند که بارها مسائل و مشکلات خود را با مسئولین استان از جمله استانداری، کار و امور اجتماعی، دادگستری و مطرح نموده اند ولی نتیجه ای نداشته است که ناگزیر دست به اینگونه اعتراض زده اند. کارگران اضافه کردند که سوء مدیریت باعث شده این واحد با کمبود مواد اولیه، فرسودگی ماشین آلات و کاهش تولید مواجه شود و نتواند هزینه های خود را پرداخت کند.

جمعی از کارگران بخش بافندگی کارخانجات نساجی شهرستان خوی در اعتراض به تحقق نیافتن خواستههایشان، روز دوشنبه هفته گذشته دست از کار کشیدند. یکی از کارگران در مورد علل اعتراض گفت همزمان با تغییر در مدیریت کارخانه و ورود مدیریت جدید، شایعه تعدیل

نیستیم. در مطبوعات و رادیو و تلویزیون از وحشیگری پلیس آمریکا در رابطه با ایرانیان مقیم این کشور میگویند و می نویسند. این رسانهها بیابند و ببینند که نیروی انتظامی ما با کارگرانی که از همه جا مانده اند و برای چاره یابی به استانداری گیلان مراجعه کرده اند چه میکنند؟! آیا آقای استاندار تنها راه حل مشکل کارخانه چینی گیلان را ضرب و شتم و دستگیری کارگران مظلوم و بی پناه آن توسط نیروی انتظامی میداند؟

کارگران شرکت تولیدی الیاف سنتتیک و شرکت تولیدی اسفنج شیروان دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایی این کارگران به دنبال تعطیلی کارخانه های الیاف و اسفنج شیروان در چند ماه اخیر بود. شمار کارگران کارخانه های فوق که به منظور احقاق حقوق عقب مانده خود از محل کارخانه تا پارک شهید فهمیده دست به راهپیمایی زدند، بالغ بر یکصد نفر بود. کارگران معترض قصد داشتند به راهپیمایی خود تا مرکز شهر و جلوی دفتر ارتباطات نماینده مردم شیروان در مجلس شورای اسلامی ادامه دهند که با دخالت نیروهای انتظامی متفرق شدند و عده ای نیز مجدداً به سمت کارخانه به مسیر خود ادامه دادند. در این دو کارخانه بیش از ۶۰۰ نفر مشغول به کارند.

بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران مجتمع دوجرخه سازی قوچان که در یک هفته پیش دست از کار کشیده و در محل این کارخانه تجمع کرده اند، خواستار جلوگیری از اخراج کارگران و تغییر مدیریت کارخانه شدند و اعلام کردند در صورت تحقق نیافتن خواسته ها و جلوگیری نکردن از اجحاف در حق کارگران، در روزهای آینده به همراه خانواده های خود تجمع و تحصن را به داخل شهر می کشانند. کارگران گفتند: از چندی پیش مسئولان کارخانه به بهانه بالا بودن هزینه های مجتمع و سعی در کاهش آن، اقدام به اخراج کارگران کرده اما پس از اخراج کارگران حقوق و مزایای کارگران اخراجی را به کارشناسان کارخانه اختصاص داده اند. به گفته کارگران این تحصن ادامه دارد و اعلام شده است تا آخر امسال حدود ۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه اخراج می شوند.

کارگران شرکت پیمانکاری گچساران بیش از سه ماه است که حقوق در یافت نکرده اند. حدود ۱۸۰ کارگر این شرکت که نگرهبانی گذرگاهها و تأسیسات نفتی را به عهده دارند، می گویند که تأخیر در پرداخت حقوق توسط پیمانکاران، مشکلات زیادی برای آنها بوجود آورده است. یکی از کارگران گفت: حدود سه ماه و سیزده روز است که حقوق دریافت نکرده و اضافه کرد که تأخیر در پرداخت حقوق کارگران در حالی است که کارگران عمدتاً با کمترین امکانات و با یک حقوق ناچیز، کار حفاظت از تأسیسات مهم و زیربنایی شهرستان را به عهده دارند.

دو کارگر جوان که هشت ماه قبل برای یافتن کار از اصفهان به تهران آمده بودند، با اجاره خانه ای در خیابان جوادیه و کار ساختمانی، زندگی تازه ای را آغاز کردند. با شروع فصل سرما دو کارگر ۲۴ و ۲۵ ساله که توان خرید بخاری نداشتند، تصمیم گرفتند برای گرم کردن خانه از

اخبار کارگری از گوشه و کنار روزنامه ها

در جنبش کارگری ایران چه می گذرد

کارگران شرکت تعاونی امامزاده ابراهیم با بیش از ۸۰ نفر کارگر ۹ ماه حقوق دریافت نکرده اند.

شرکت پرسان با ۲۵۰ نفر کارگر ۵ ماه است که حقوق کارگران را نپرداخته است.

شرکت نخنز با ۱۶۵ نفر کارگر ۳ ماه است که حقوق کارگران را نپرداخته است.

شرکت ایران کنف با ۳۰۰ نفر پرسنل ۵ ماه است که حقوق کارگران را نپرداخته است.

کارگران کارخانه چینی گیلان مدت ۸ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.

این کارخانه با توجه به اینکه بازار فروش دارد و مواد اولیه آن در داخل تهیه میشود، بعلت عدم مدیریت صحیح و داشتن مشکل نقدینگی، ماههست که با مشکل روبروست و تاکنون ۸ ماه است که کارگران آن حقوق دریافت نکرده اند و توسط مسئولین استان بارها قول هایی در مورد حل مشکلات داده شده که تاکنون هیچیک انجام نشده است.

روز سه شنبه هفته جاری نیز بیش از یکصد نفر از کارگران این کارخانه با تجمع در جلوی استانداری گیلان خواستار حل مشکلات خود شدند که با دخالت نیروی انتظامی و ضرب و شتم کارگران و دستگیری عده ای از آنها از اجتماع آنان جلوگیری گردید.

عده ای از کارگران چینی گیلان که با هجوم نیروی انتظامی به داخل پارک شهر که در مجاورت استانداری قرار دارد، فرار کرده بودند در حالی که که به شدت ناراحت بودند، دست و پا و صورت و سر ضربیده خود را به عابرین نشان میدادند و می گفتند: آیا مسئولین ما همه مشکلات را با زور و با استفاده از نیروی انتظامی حل میکنند؟ آیا کارگری که ۸ ماه شرمند زنی و فرزندان خود هست، وقتی خواستار حل مشکلات توسط بالاترین مرجع استان میشود، باید به جای ملاقات با استاندار، با نیروی انتظامی مواجه شود؟ یکی از کارگران زن شرکت چینی گیلان در حالی که به شدت میگریست گفت: ما را به شدت در خیابان کتک میزنند. انگار از افراد این مملکت

از مرکز سیسیل مختل کردند. به گزارش خبرگزاری آسا ۵۰۰ تن از کارگران فیات خود را به بندر پالرمو رساندند و راههای منتهی به آن را بستند. در همین حال دهها کارگر دیگر با ایجاد موانع در راه آهن، تردد قطارها را مختل کردند. طرح بازسازی اعلام شده از سوی فیات که اولین کارفرمای خصوصی در ایتالیاست، حذف ۸۱۰۰ یعنی ۲۰ درصد نیروی کار این گروه را پیش بینی می کند.

بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران کره جنوبی در اعتراض به طرح اخراج مربوط به مناطق ویژه اقتصادی، در سنول تظاهرات کردند. در صورت تصویب این طرح، شرکتهای فعال در مناطق ویژه، امکان می یابند از تعداد روزهای مرخصی استحقاقی کارگران بکاهند و همچنین در عمل حقوق کارگران ۲۰ درصد کاهش خواهد یافت. کارگران کره ای همچنین از دولت خواستند روند خصوصی سازی شرکتها را که معمولاً به اخراج تعدادی از کارگران منجر می شود، متوقف کند.

در پی اعتصاب سراسری اتحادیه های کارگری و کارمندی، وزیر کشور آلمان تهدید به اخراج دسته جمعی کارکنان دولت کرد. به گزارش روزنامه «ژودویچه ساینورنگ» بیش از ۴۰ هزار کارگر و کارمند دولتی در مخالفت با عدم افزایش حقوق خود در سال جدید میلادی دست به تظاهرات زدند. ادامه این اعتصاب در روزهای گذشته به ویژه در بخش خدمات شهری و وسایط نقلیه عمومی باعث اختلال در عبور و مرور بسیاری از مناطق و شهرهای آلمان شده است. به نوشته اشپیگل در شهرهای مونیخ، ویسبادن و نیز در بخشهایی از یستدام و اطراف آن نیز وسایط نقلیه عمومی اعتصاب کرده اند. در حال حاضر نیز ایالتیهای بایرن، برلین، براندن بزرگ، هسن، بادن و تمبرگ و زاکسن در اعتصاب به سر می برند. اولین اعتصاب هشدار دهنده در پایتخت آلمان در منطقه ویلمرزورف چهارشنبه هفته گذشته انجام شد که به دنبال آن بیش از سه هزار نفر در بخش خدمات عمومی دست از کار کشیدند. اتحادیه کارمندان و کارگران آلمان خواهان حداقل سه درصد افزایش حقوق کارمندان و کارگران در سال ۲۰۰۳ است.

تمامی رانندگان وسایط نقلیه عمومی شهری، اتوبوس، مترو و تراموا از بامداد دیروز در سراسر ایتالیا ۲۴ ساعت اعتصاب کردند. اعتصاب کنندگان خواستار بهتر شدن وضع کار، افزایش دستمزد و لغو مصوبه هیئت دولت در تغییر بند ۱۸ قانون کار (که دست کارفرمایان را در اخراج کارکنان باز می گذارد) هستند. این اعتصاب در حالی صورت می گیرد که مردم ایتالیا در هفته گذشته نیز شاهد اعتصاب دیگری بودند که شامل خلبانان، کارکنان فرودگاهها، کارمندان اداره های دولتی، تعدادی از پزشکان و پرستاران و کارمندان شهرداری می شد که در پی آن جمع آوری زباله های شهری دو روز متوقف شد. همزمان با اعتصاب رانندگان وسایط نقلیه عمومی، دیروز کارکنان راهنمایی و رانندگی در شهر رم نیز اعتصاب کردند.

حدود ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت لوله سازی اهواز در ادامه اعتراضات چند ماهه خود نسبت به پرداخت نشدن حقوقهایشان ظهر امروز در اهواز حوالی چهارراه سلمان فارسی راهپیمایی کردند و با شعارهایی خواستار پرداخت حقوقهایشان از مسنولان شدند. با شروع راهپیمایی کارگران لوله سازی اهواز، بلافاصله مأموران نیروی انتظامی در محل حاضر و با سه دستگاه اتوبوس اقدام به جمع آوری تمامی راهپیمایان کردند. شرکت لوله سازی اهواز از سال ۷۶ با مشکلات زیادی روبه رو بوده و امسال برای چندمین بار است که کارگران دست به اعتراضات دسته جمعی می زنند.

کارگران شرکت صنایع فروآلیاژ شهرستان ازنا در اعتراض به عدم توجه مسنولان کارخانه نسبت به خواستهای کارگران در فروش کارخانه، تجمع کردند. کارگران در این تجمع که از فرماندار و نماینده مردم در مجلس نیز دعوت کرده بودند، اظهار داشتند: اجرای طرح توسعه کارخانه باید در قرارداد فروش ذکر شود و کارخانه در هر شرایطی به کار خود ادامه دهد. همچنین واگذاری سهام کارخانه به کارکنان طبق قانون و عرف سایر شرکتها در نظر گرفته شود و سنوات خدمتی کارگران به صورت توافقی مشخص و در ذخیره سنواتی خریدار واگذار شود.

در جنبش کارگری دیگر نقاط دنیا چه می گذرد

صدها نفر از کارگران خودروسازی فیات در اعتراض به اخراج تعدادی از کارگران به خیابانها ریختند و مخالفت خود را با این تصمیم ابراز داشتند. دو هزار کارگر معترض فیات ضمن متوقف کردن کار خود و مخالفت با اجرای طرح بازخرید کارگران، در مناطق مختلف شهر تورینو تظاهرات کردند. در جریان این اعتراض ها گروههای مختلف کارگری راههای ورودی به شهر را مسدود کرده و با حضور در سطح راه آهن مانع ادامه فعالیت قطارها شدند.

اعتصاب سراسری اتحادیه های کارگری و کارمندی آلمان به فرودگاههای شهرهای بزرگ این کشور نیز کشیده شد. روزنامه «دی ولت» نوشت، فرودگاههای شهرهای فرانکفورت، دوسلدورف، مونیخ، کلن و بن دیروز ساعتها در اعتصاب فرو رفت. اعتصاب دوشنبه نیز در بخش وسایط نقلیه عمومی و خدمات شهری چند شهر بزرگ آلمان برگزار شد و عبور و مرور و رفت و آمد را در این شهرها به حالت تعطیل در آورد. به نوشته «دی ولت»، اتحادیه خدمات عمومی کارمندان و کارگران «وردی» از ۲ میلیون و ۷۷۳ هزار و ۸۸۷ عضو از سیزده بخش متفاوت دولتی و غیردولتی تشکیل شده است. «وردی» یکی از هشت اتحادیه بزرگ آلمان است. ۳۵ درصد از هشت میلیون عضو اتحادیه ها، عضو اتحادیه «وردی» هستند.

صدها کارگر کارخانه خودروسازی فیات ایتالیا در اعتراض به روند اخراجها، کلیه راههای منتهی به بندر پالرمو را بستند و تردد افراد و کالاها را

۱۷۰ نفر از کارگران نساجی بر سر زبانه افتاد و عنوان شد که کارخانه نساجی خوی به شرکت آتیه دماوند واگذار شده است. طبق مصوبه هیئت مدیره همه قراردادهای کاری کارگران از یکسال به شش ماه تقلیل خواهد یافت. از طرف دیگر پرداخت نشدن پاداش به کارگران از سال ۸۰ تاکنون موجب شد کارگران بافندگی در عصر روز دوشنبه دست از کار کشیده و اعلام کردند همه قراردادهای همچون سابق باید یکساله تنظیم شوند، پاداش بهره وری کارگران باید پرداخت شود، حقوق ماهانه کارگران باید در وقت مقرر پرداخت شود. لازم به ذکر است جمعی از کارگران بخش ریسندهی در حمایت از کارگران بخش بافندگی روز سه شنبه حدود دو ساعت دست از کار کشیدند ولی با حضور و دخالت نماینده شورای اسلامی این تجمع پایان یافت و کلیه کارگران به سر کار خود برگشتند. به گفته یکی از کارگران ۱۴ میلیارد تومان وام بانکی که مدیریت قبلی دریافت کرده صرف توسعه کارخانه شده و بهره وری کارخانه را بالا برده است. وی اضافه نمود چرا باید برای بازپرداخت بدهیها از کارگران مایه بگذارند در حالی که مدیران حقوقی بالاتر از ۷۰۰ هزار تومان دریافت می کنند.

کارگران بیکار شده شهرداری با ارسال نامه ای به دفتر ریاست جمهوری اعلام داشتند که بسیاری از این کارگران به دلیل بیکاری به تکدی گری، دوره گردی، دست فروشی و حتی اعتیاد روی آورده اند و خانواده هایشان در آستانه فروپاشی است. در این نامه با اشاره به اینکه شهرداری در سال ۷۴ خارج از چهارچوب قانون و به استناد بخشنامه ای به شماره ۵۴۳۵ مورخ ۷۳ شهریاری عالی اداری، کارگران را به اجبار بیکار کرده که مراتب از طریق چهار مرجع قانونی، دیوان عدالت اداری، وزارت کار و امور اجتماعی، کمیسیون اصل ۹۰ و مجتمع قضایی مورد شکایت و پی گیری قرار گرفت که به دنبال پی گیریهای انجام شده مشخص شد که مصوبه فوق الذکر از سوی شورای عالی اداری، شامل موسسات و شرکتهای دولتی بوده است و به هیچ وجه شامل موسسات غیر دولتی از جمله شهرداری نمی شود. کارگران بیکار شده شهرداری در نامه خود آورده اند که برای احقاق حقوق خود به شهرداری تهران به ویژه شورای شهر مراجعه کردیم که در نتیجه شورای شهر د رصد و هشتاد و دومین جلسه خود در ۱۷ مهر سال ۸۰ طرح یک فوریتی کمک به کارگران بیکار شده شهرداری تهران را به تصویب رساند. ولی از آن تاریخ تاکنون به علت اختلاف بین شورای شهر و شهرداری تهران به مشکلات کارگران رسیدگی نشده است. طبق این نامه بی توجهی و رسیدگی نکردن به مشکلات کارگران شهرداری باعث شده است تا آنها نتوانند تقاضای بازتستگي پیش از موعد خود را به وزارت کار تقدیم کنند.

کارگران فصلی کارخانه قند میانداوب بعد از دو روز اعتصاب به سر کارهای خود بازگشتند. بنا به اظهارات رئیس کارخانه علت اعتصاب و اعتراض کارگران وجود برخی ابهامات در طرح طبقه بندی مشاغل که جدیداً به اجرا درآمده، بوده است. بنا به اظهارات مسنولان کارخانه کارگران بعد از دو روز اعتصاب به سر کارهای خود برگشتند و نیروهای یگان ویژه در برخی مسیرهای منتهی به کارخانه مستقر هستند.